

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۸۴

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۶ تیر ۱۳۹۲، ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

تجمعات اعتراضی کارگران ذوب آهن زاگرس (کردستان) در مقابل بیت رهبری و مجلس اسلامی



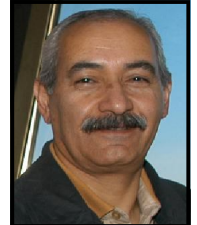
بنا به خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است ۲۵۰ کارگر ذوب آهن زاگرس واقع در شهر قروه که از کارشان اخراج شده اند در ادامه تجمعات اعتراضی خود در مقابل استانداری کردستان، ۱۸۰ نفر آنها از ساعات اولیه صبح روز دوشنبه ۲۴ تیرماه با عزیمت به تهران در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاسنور دست به تجمع از صفحه ۲

کارگران ذوب آهن زاگرس (کردستان)، بیکارسازیها و دستمزدهای معوقه

منبع درآمد دیگری برای ادامه زندگی خود و خانواده هایشان ندارند. چنین وضعی تحت حاکمیت، آیت اله های مفتخور و کارفرمایان، جهمی تمام معنا را در مقابل کارگران بوجود آورده است.

علاوه بر پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق پایه ای که در هر کشوری جزو حقوق اولیه شهروندان است، در رژیم اسلامی، برای کارگران از هیچکدام از این حقوق اولیه خبری نیست. پرداخت نکردن دستمزدهای معوقه و چندین برابر زیر خط فقر نیز

صفحه ۲



عبدال گلپریان

خطری که مدام زندگی کارگران را تهدید می کند اخراج سازیهای مکرر در مراکز کارگری است. کارگران بجز فروش نیروی کار خود به زالوهای مفتخور و سود جو هیچ

به بساط آدمکشی حکومت اسلامی باید پایان داد

را گسترش میدهد تا خطر را از سر بگذرانند. این بار نیز جنب و جوش بیشتری در جامعه شروع شده و انتخابات کذائی ریاست جمهوری بحران حکومتی را عمیق تر کرده است و رژیم با شدت بخشیدن به اعدام ها میخواهد راه را برای ادامه حیاتش در دوره آتی هموار کند. صفحه ۳

مخالفی باید علیه این شرایط دست به اقدامی بزند. این حکومت اعدام است و از بدو سر کار آمدن تا کنون حتی یک روز ماشین اعدام و جنایتش متوقف نشده است. اما در مقاطعی که بحران عمیقتر و یا خطر بپاخاستن مردم جدی تر میشود، دستگیری ها و اعدام ها

جمهوری اسلامی در عرض چند هفته گذشته بیش از صد نفر را اعدام کرده است. هزاران دیگر نیز محکوم به اعدام هستند و هر لحظه ممکن است اعدام شوند. وضعیت تکان دهنده ای برای زندانیان بویژه برای در زندان رجائی شهر حاکم شده است. هر انسان آزاده ای و هر سازمان و حزب

فقر، بیکاری و گرانی جوانان را به اعتیاد و به کام مرگ سوق می دهد!

اعتیاد جوانان به مواد مخدر، آن بالای ویرانگری است که یاس و نا امیدگی را در وجود معتادین رشد می دهد، بطوری که جز مرگ و آینده ای نا مفهوم چیز دیگری برایشان قابل رویت نیست.

در جامعه ایران و در دوره کنونی، این وضعیت دهشناک به

صفحه ۴



پیشرو علی پور

نباید اجازه داد قداره بندان رژیم اسلامی بیشتر از این اعدام کنند



احمد رحمانی

لیست هستند و از همه مردم دنیا خواسته اند که نگذارند جمهوری اسلامی آنها را اعدام کند. ماشین کشتار جمهوری اسلامی سالهاست که جان میستاند و به بند میکشد و هر دوره و هر ساله روند این آدمکشی ابعاد تازه تری بخود میگیرد. صفحه ۳

بنا به گزارشهای رسیده از ماه گذشته تا کنون حدود ۱۰۰ نفر از زندانیان در زندانهای مختلف رژیم اعدام شده اند و جمهوری اسلامی اعلام کرده است که ۱۴۰۰ نفر زندانی دیگر که محکوم به اعدام هستند تا شش ماه آینده اعدام میکنند. زانیار و لقمان مرادی دو تن از زندانیان سیاسی نیز جزو این

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



مشخص نیست. جنبش کارگری و اعتراضات کارگری در سه دهه گذشته در شهرهای کردستان با قدرتمندی بالایی ابراز وجود کرده است. تعداد بسیار زیادی از کارگران

صفحه ۴

سخنی خودمانی با جمعی از کارگران سنندج و حومه، تاکنون توسط این "جمع" بیانییه های متعددی تحت نام "جمعی از کارگران سنندج و حومه" منتشر شده است. امضا کنندگان این بیانییه

دادخواهی خانواده ۲۶ نفر از فعالین که به اعدام محکوم شده اند! صفحه ۳

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدال گلپریان / بخش هجدهم صفحه ۷

دومین روز تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن کردستان صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ کارگران ذوب آهن کردستان...



شمشیری بر بالای سر کارگر برای تهدید به اخراج است. می گویند اگر حقوق را طلب کنی اخراج خواهی شد. دارو دسته های سوذجو و مسئولین نهادهای وزارت کار از يك سو به کارگران می گویند مواد اولیه موجود نیست و کارخانه باید تعطیل شود و وقتیکه کارگران دستمزدهایشان را طلب می کنند در پاسخ به آنان می گویند تقدینگی نیست.

اما از طرف دیگر همین انگلهای اسلامی دزد و چپاولگر وقیحانه و بی شرمانه ادعا می کنند که هیچ گونه معضل و مشکل کارگری در جامعه وجود ندارد و از طرفی دزدیهایی میلییاردی توسط مقامات و مسئولین این شبکه مافیایی به امری عادی و روزمره تبدیل شده است. ۲۵۰ نفر از کارگران ذوب آهن کردستان در چنین وضعیت دردناکی قرار دارند.

روز دوشنبه ۲۵ تیرماه کارگران ذوب آهن کردستان (فولاد زاگرس) بعلت بی توجی مسئولین و نهادهای رژیم به خواستههایشان در مقابل بیت خامنه ای دست به تجمع اعتراضی زدند. بدنبال این تجمع اعتراضی ۵ نفر از نماینده های کارگران به داخل محل دفتر بیت رهبری دعوت شدند و در آنجا مسئولین این دفتر با عکاسی از چهرهای این نماینده ها به آنان اعلام کردند: "بساط تان را از اینجا جمع کنید و بروید، ما اینجا کاری برای شما نمیتوانیم انجام بدهیم، بروید جلو مجلس شورای اسلامی".

با پافشاری کارگران، مسئولین

اسلامی رفته است، نه تنها از کار بیکار می کنند بلکه چندرغاز دستمزد زیر چندین برابر خط فقر او را نیز به گرو گرفته و نمی پردازند. کارگران ذوب آهن کردستان در این شرایط و موقعیت تنگنای اقتصادی باید در نهایت دست تنگی کلی هزینه سفر و مخارج دیگر به تهران را متحمل شوند تا بلکه بتوانند حق خود را از حلقوم این مفتخورها بیرون بکشند.

اقدام اعتراضی کارگران ذوب آهن کردستان برای احقاق حقوقشان شایان بیشترین حمایتها از سوی تمامی کارگرانی است که با همین درد مشترک روبرو هستند. این اعتراض و اعتراضات مشابه دیگر در میان کارگران باید بتواند خود را هر چه بیشتر سازمانیافته و متحدانه به میدان بیاورد. تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس تا همینجا توانسته است نماینده گانی از استشارگران اسلامی را وادار به مذاکره کند، توانسته است مسئولین دفتر سرکرده چپاول گران اسلامی را وادار به نوشتن نامه کند اما می توان این تجمع اعتراضی و دیگر تجمعات و اعتراضات کارگری که دردهای مشابهی با هم دارند را يك کاسه تر و متحدانه تر کرد و برای مضاف با مسئولین، نهادها و نمایندگان مجلس مطالبات برحق خود به میدان آورد. دهها هزار کارگر اخراج و در شرف اخراج شدن هستند، دهها هزار کارگر از ابتدایی ترین حقوق و مزایای انسانی خود محروم هستند، میلیونها نفر از مزدبگیران با دستمزدهای زیر چند برابر خط فقر و پرداخت نشده روبرو هستند.

این یعنی عمق يك فاجعه، یعنی فلاکت بی حد و حصری که آیت اله های دزد و میلییارد به کارگران و به کل جامعه تحمیل کرده اند. با مسئولین، مقامات و دم و دستگاه نظام اسلامی باید با زبان، تجمعات، اعتراضات و اعتصابات گسترده حرف زد. تجمعات اعتراضی و اعتصابات گسترده و سراسری کارگران می تواند نقطه پایانی بر این تباهی و بی حقوقی بگذارد.

این یعنی عمق يك فاجعه، یعنی فلاکت بی حد و حصری که آیت اله های دزد و میلییارد به کارگران و به کل جامعه تحمیل کرده اند. با مسئولین، مقامات و دم و دستگاه نظام اسلامی باید با زبان، تجمعات، اعتراضات و اعتصابات گسترده حرف زد. تجمعات اعتراضی و اعتصابات گسترده و سراسری کارگران می تواند نقطه پایانی بر این تباهی و بی حقوقی بگذارد.

۱۶ ژوئیه ۲۰۱۳

تجمعات اعتراضی کارگران ...

از کارگران را حل نخواهد کرد. پاسخ سر بالا دادن و تهدید و سرودآیین آنها توسط مشتی مفت خور و میلییاردی پاسخی است که به کارگران داده اند. کارگران فولاد زاگرس و تمامی کارگران در ایران ماهیت کربه و ضد کارگری این رژیم را می شناسند. این تجربه هم نشان داد هیچ راهی بجز اتکا کردن به اتحاد و همبستگی خود کارگران وجود ندارد.

همینکه مقامات و مسئولین این حکومت یکی بعد از دیگری رسماً به کارگران اعلام کرده اند " نمی توانیم برای شما کاری انجام دهیم." کافی است که کارگران حکم بی اعتباری و عدم مشروعیت این رژیم را به همگان اعلام کنند. باید بیش از پیش به گسترش صف اعتراضی خود و اتحاد و همبستگی خود اتکا کنیم. حکومتی که قادر نیست به خواست و مطالبات بر حق و اولیه کارگران پاسخ دهد باید کنار برود. مشتی انگل و مفتخور که اسم حکومت و دولت را روی خود گذاشته اند بیش از سه دهه است کار و زندگی کارگران و میلییونها مزدبگیر را به تباهی کشانیده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از تجمعات اعتراضی کارگران ذوب آهن زاگرس، از فعالین و تشکلهای کارگری می خواهد که در حمایت از این کارگران به میدان بیایند. تشکلهای و فعالین کارگری لازم است از خواست و مطالبات آنها حمایت کرده و برای عملی شدن مطالبات این کارگران اقدامات ضروری و فوری را در دستور بگذارند. کارگران فولاد زاگرس می توانند و باید به نیروی هم طبقه ایهای خود اتکا کنند. کارگران ذوب آهن زاگرس فقط با قدرت اتحاد و همبستگی خود و ادامه تجمعات اعتراضی می توانند دستمزدهای پرداخت نشده و بازگشت بکار خود را هموار کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ ژوئیه ۲۰۱۳
۲۵ تیر ۹۲

اعتراضی زدند. کارگران اخراجی خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود شدند. بدنبال این تجمع اعتراضی ۵ نفر از نماینده های کارگران به داخل محل دفتر بیت رهبری دعوت شدند و در آنجا مسئولین این دفتر با عکس گرفتن از چهرهای این نماینده گان به آنان اعلام کردند بساط تان را از اینجا جمع کنید و بروید. با اینجا کاری برای شما نمیتوانیم انجام بدهیم. بدنبال این اتفاق نمایندگان کارگران این موضوع را با همکاران خود در میان گذاشتند. اما کارگران تصمیم به ادامه تجمع در همان محل گرفتند و تا عصر همان روز به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند.

بدنبال تجمع روز دوشنبه کارگران ذوب آهن کردستان (فولاد زاگرس) مسئولین این دفتر ناچار شدند با تنظیم نامه ای خطاب به مسئولین وزارت کار رسیدگی ویژه و فوری به خواستههای کارگران فولاد زاگرس را به این وزارتخانه ارجاع دادند. کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان تجمع روز دوشنبه خود در مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که رسیدگی عملی به خواست هایشان صورت نگرفته بود شب را در تهران و در محل بهشت زهرا بسر بردند.

کارگران معترض از ساعات اولیه صبح روز سه شنبه دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند. طبق آخرین خبر رسیده نمایندگان کارگران وارد مذاکره با مسئولین مجلس شورای اسلامی شده اند.

مسئولین بیت خامنه ای در اوج وقاحت و بیشرمی به کارگران معترض گفته اند: "بساط تان را از اینجا جمع کنید و بروید، ما اینجا کاری برای شما نمیتوانیم انجام بدهیم." شکی نباید داشت که نتیجه مذاکره با مجلس شورای اسلامی بهتر از آن نخواهد بود. پاس دادن کارگران از خانه کارگر قره به استانداری کردستان و بعداً بیت رهبری به مجلس و از مجلس احتمالاً به ارگان دیگر رژیم مشکلی

از صفحه ۱ نباید اجازه داد قداره بندان ...

امسال با برگزاری نمایش انتخاباتی رژیم و با بیرون آمدن روحانی از صندوق رای به عنوان رییس جمهور آتی حکومت اسلامی، یار دیگر با موجی از اعدام و دستگیری های پی در پی میخوانند اعتراضات ناشی از بحران های حل نشدنی که دامنه حاکمیت را گرفته را سرکوب نمایند. حاکمیت با توسل به اعدام و دستگیری فعالین سیاسی و فعالین کارگری به عنوان تنها راه حل که میتواند بر مشکلات موجود فایز آید تکیه کرده است. رژیم می داند که شیشه عمر این نظام ضد انسانی در دست طبقه کارگر است. تعرض به معیشت و زندگی کارگران، بازداشت و محاکمه آنان با اتهامات واهی، وحشت از تعرض یکدست و متحدانه جنبش کارگری است که تمام وجود سران رژیم را فرا گرفته است.

روند اعدامها نه تنها باید متوقف شود بلکه باید کاری کرد که عملکرد این رژیم و سرانش بعنوان جنایات علیه مردم ایران و در دادگاههای بین المللی و مردمی محاکمه شوند. در حال حاضر برای نجات کسانی که در انتظار احکام اعدام هستند باید دست بکار شد و اخبار این اعدام ها را در میدیای اجتماعی و میدیاهای تمام کشورها اطلاع رسانی کرد و با بسیج نهادهای بین المللی و مدافعان حقوق انسان، جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشت تا احکام اعدام را

متوقف کند. اما مهمترین کاری که در این برهه حساس باید انجام داد این است که باید خانواده های کل این افراد که به اعدام محکوم شده اند متحذانه علیه این وضعیت به میدان آمده و اعتراض کنند. در این عرصه حضور خانواده هایی که عزیزانشان بدست جانپان اسلامی محاکمه شده اند خیلی مهم و حیاتی است و نباید دیگر اجازه داد قداره بندهای رژیم اسلامی بیشتر از این اعدام کنند و هر روزه خانواده ای دیگر را عذاب کنند.

دو عرصه مهم کارزار علیه این وضعیت وجود دارد، اول کارزار داخلی و دوم کارزار خارجی در سطح بین المللی است که هر کدام میتوانند حامل رسالت های مهمی در این بعد برای متوقف کردن اعدامها در ایران باشد. کارزار خارج از کشور همانطور که همیشه بوده و در همه عرصه تا آنجا که ممکن است کماکان با قدرت پیش برده شود. اینجا تاکید بیشتر من روی اعتراضات در داخل است و مردم از هر طیفی می توانند اعتراض خود را نسبت به این وضعیت اعلام کنند. حضور هنرمندان و نویسندگان و تهیه فیلم های کوتاه و نوشته در این مورد و به تصویر کشیدن این جنایات خود مبارزه بزرگی علیه رژیم و توقف اعدام ها میتواند باشد. باید متحد و یکپارچه در همه جا علیه اعدامها توسط رژیم به میدان آمد.*



دادخواهی خانواده ۲۶ نفر از فعالین که به اعدام محکوم شده اند! به بانگی مون دبیر کل سازمان ملل

بهرام را که هنگام دستگیری زیر ۱۸ سال سن داشت در تاریخ ۷/۱۰/۹۱ اعدام کرده اند محمد یاور رحیمی که برادرش اصغر رحیمی را در تاریخ ۷/۱۰/۹۱ اعدام کردند مختار رحیمی، بهمن رحیمی، پوریا محمدی، محمد غریبی، فرزند شاه نظری، ادریس نعمتی، احمد نظری، طالب ملکی، امید پیوند، کاوه ویسی، کاوه شریفی، بهروز شاه نظری، بوریا قادری فرد، جمال سید موسوی و لقمان امینی می باشد.

این افراد در زندان رجایی شهر و قزل حصار دوران محکومیتشان را طی می کنند و مادران سالخورده شان از رفتن به ملاقاتشان عاجزند و آنها را حتی به شهرهای خودشان انتقال نمی دهند. چند روز پیش مادر یکی از این افراد که ۶۷ سال سن دارد وقتی به ملاقات شهرام و بهرام احمدی آمد خبر نداشت که بهرام پسرش را در تاریخ ۷/۱۰/۹۱ اعدام کرده اند و جنازه اش را خودشان دفن کرده اند وقتی مامورین سالن ملاقات گفتند فقط

خانواده ۲۶ زندانی اعدامی
۲۴/۴/۱۳۹۲

از صفحه ۱ به بساط آدمکشی حکومت ...

حکومت، بقای خود و تداوم و تشدید بساط استثمار و چپاول را در اعدام های بیشتر میبینند و مردم باید تلاش کنند این اهرم را از حکومت اسلامی بگیرند و جبهه خود را برای پایان دادن به کل این بساط تقویت کنند. امروز مبارزه علیه اعدام، علیه بیحقوقی کلیه زندانیان سیاسی و عادی و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی وظیفه مبرمی برای تمامی نیروهای آزادیخواه است. حزب کمونیست کارگری کارگران و مردم آزادیخواه، احزاب و سازمانهای مخالف حکومت، فعالین سیاسی و فعالین مدیای اجتماعی را به تلاشی همه جانبه برای مقابله با جمهوری اسلامی، دار و دسته های مختلف آن و ماشین آدمکشی اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیرماه ۱۳۹۲

۱۳ ژوئیه ۲۰۱۳

خواست و مطالبه ای نیست، صندوق ها خالی شده و مردم انتظار تغییری در زندگی شان نداشته باشند و به روحانی فرصت بدهید، الان وقت بهبود شرایط اقتصادی نیست، حتی وقت طرح مطالبه آزادی چهره های این جناح نیست و جناح دیگر همین هدف را با آدمکشی و سرکوب بیشتر در پیش گرفته است. اوباش حکومت میدانند که حکومتشان در بن بست کامل است و جامعه در آستانه یک خیزش بزرگ قرار گرفته و هر جناحی برای بقای عمر ننگین این حکومت به راهی متوسل شده است. جامعه باید بلند شود و کل این اوباش مرتجع و آدمکش و ضد انسان را به شکست بکشاند و راه سرنگونی شان را هموار کند.

مبارزه علیه اعدام امروز یک جبهه مهم مبارزه سیاسی و طبقاتی است. دار و دسته های مختلف

قربانیان این دوره "محکومین مواد مخدر" از معتادان تا فروشندهان خرده پای مواد مخدرند، یعنی جوانانی که بیکاری و فقر و بی آیندگی آنها را به این دام کشانده است. بزهارکاران هستند که شرایط سخت بار حاکم آنها را به کار خطانی کشانده است. زندانیان عقیدتی هستند که یا اسلام را طرد کرده اند و یا معتقدین به مذهب دیگری هستند. و یا صاف و ساده کسانی که مرتکب هیچ "جرمی" نشده اند و به دلیلی به دام جانپان اسلامی افتاده اند و در بیدادگاه های حکومت به اعدام محکوم شده اند.

واقعیت این است که دوره احمدی نژاد با بی آبرویی و بحران بیشتر رژیم تمام شد و اکنون روحانی قرار است بخشی از اهرم قدرت را در دست بگیرد تا بر متن چنین شرایطی دور دیگری از فقر و بیحقوقی و سرکوب را به جامعه تحمیل کند. رفسنجانی ها و خاتمی چی ها، حتی زندانیان این جناح، دم گرفته اند که وقت طرح

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

نگاه هفته

از صفحه ۱

در شهرهای کردستان به ویژه، سنندج، سقز، مهاباد، مریوان و بوکان بشکل علنی مطالبات و اعتراضات کارگران را نمایندگی کرده اند. هزینه های امنیتی فراوان را متحمل شده اند. هم اکنون ده ها فعال کارگری در زندان هستند. فشار امنیتی جمهوری اسلامی هم توسط کارگران، مردم و جامعه بشکل روتین در قالب اعتراض به دستگیری و زندانی کردن کارگران با ناکامی روبرو شده است. رو در رونی کارگران در شهرهای کردستان بشکل علنی قدمتی بیش از سه دهه دارد. سنت اول ماه مه از خود رهبران و سخنگویان علنی به جامعه معرفی کرده است. رهبران کارگری در جامعه شناخته شده هستند. و این ابراز وجود علنی از آنها شخصیت های محبوب و مورد اعتماد در میان کارگران، جنبش برابری زنان و جنبش دفاع از حقوق کودکان ساخته است. جمع "جمعی از کارگران سنندج و حومه" را فرامیخوانم به این دستاورد مهم توجه کنند. و در شکل تعیین یافته و علنی مطالبات رادیکال و کیفی خواست خود را در شکل علنی و تعیین یافته به پیش ببرند. قدرتمندی ما در ابراز وجود ده ها سخنگوی محبوب در جنبش کارگری از جمله بهنام ابراهیم زاده ها میباشد.

دوستان عزیز! شما بهترین کیفی خواست تان را اعلام کرده اید. سوال ما و حساسیت ما از اهمیت موقعیت امروز و اجتماعی، نفوذ کلام و محبوبیت فعالین کارگری در شهرهای کردستان، است. در بطن این دستاوردها است که ما میتوانیم در ارتباط بیانیه شما نکات و ملاحظاتی را مطرح کنیم. بیانیه شما اگر با هویت مشخص به جامعه اعلام نشود در سطح یک اعلامیه روشن و خوب مورد استقبال قرار میگیرد. کارگران و جامعه از شما فعالین کارگری و ابراز وجود اجتماعی شما توقع و انتظارات بسیار فراتر و موثرتر دارند.

بیانیه جمعی از کارگران سنندج و حومه! ما میلیونها کارگر در ایران از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محرومیم و در رابطه با مسائل شغلی نیز هیچگونه امنیت شغلی

نداریم و اخراج و بیکارسازیها هرروز جریان دارد، پس سفره هایمان همیشه خالی است. با وجود دستمزدهای زیر خط فقر و با وجود بیکاری فراوان، شهریه درس و دانشگاه فرزندانمان و تهیه شغل و مسکن برای ما به هیولایی عظیم و وحشتناک تبدیل شده است. کمر ما در زیر اینهمه فقر و فلاکت و گرانی و بار معضلات اجتماعی خم شده است و در این دنیای نابرابر، زندگی و مرگ برای ما یکسان شده است کسی هم جوابگو نیست. از آن طرف به جرم دفاع از ما کارگران گرسنه بیکار ده ها فعال کارگری در زندان ها به سر می برند که یکی از آنها "جلیل محمدی" است که در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۲ توسط اداره اطلاعات دستگیر شده و هنوز در بازداشت به سر می برد و با گذشت حدود ۲ ماه از بازداشتش هنوز حتی یک ملاقات با خانواده اش نداشته است. مگر گناه و جرم او به غیر از اعتراض به سفره خالی ما کارگران چیز دیگریست؟ آیا اعتراض به سفره خالی کارگر رنجیده جرم محسوب می شود؟ ما از تمام تشکل های مستقل کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر در ایران و سراسر جهان می خواهیم برای آزادی فوری و بی قید و شرط فعال کارگری "جلیل محمدی" و تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی دیگر در ایران و در سراسر جهان به هر شیوه ممکن تلاش نمایند. زنده باد جنبش کارگری جمعی از کارگران محلات شهر سنندج و حومه ۹ جولای ۲۰۱۳ ۱۱ تیر ۱۳۹۲

اخیرا (۱۳ تیرماه ۱۳۹۲) سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اعلام کرده است، به دستور خامنه ای جنایتکار نیروهای "مسلح گرد" یا نیروهای جاش (مزدور) محلی را در سپاهی به اسم سپاه "رزم بازسازی خواهد کرد. سپاه پاسداران گفته است، با توجه به اوضاع سیاسی کنونی می خواهد این نیروها را مجددا احیا کند. مردم کردستان در ایران در سه دهه گذشته شاهد رسوایی و انزوای نیروهای مزدور محلی بوده و هستند. تعداد زیادی از این مزدورها اکنون در صفوف رژیم جمهوری اسلامی نیستند.

مراتب بیشتر از سال های قبل دیده می شود. آمار مبتلایان به این طاعون به مرز زیر ۱۶ سال رسیده و این در حالیست که هر روز جوانان اعم از دختر و پسر بیشتر به این دام می افتند و قربانی می شوند.

مبتلا شدن به اعتیاد می تواند دلایل متعددی داشته باشد، اما بروز بارزترین این دلایل را می توان از دولت، اقتصاد، نبود آزادی های فردی و سیاسی، و کلا فقر و بیکاری که به این جامعه وارد شده را مشاهده کرد. جوانانی که شغل، آسایش، رفاه، تفریح، امکانات تحصیلی نداشته باشند، از آزادی بهر مند نباشند و با جیب خالی به جامعه ای نگاه کنند که حاکمان آن همگی فاسد، دزد، جانی و جنایتکار هستند چه امید و آرزوی برای زندگی کردن می توانند داشته باشند؟ به کی و کجا پناه ببرند؟

در جامعه ایران و در این وضعیت فلاکت بار مگر اینکه انسان خیلی با اراده باشد که اعتیاد کشیده نشود، مگر اینکه باید چنان محکم و استوار باشد که به دگرگونی این نظام فاسد اسلامی بیندیشد و امیدوار باشد، مگر اینکه در جو و فضایی رشد کند که راه مبارزه و ایستادگی را در مقابل خود قرار دهد و امید و آرزوهایش را از دست ندهد و به آن متکی باشد. بنا به آمار و ارقام مبتلایان به مواد مخدر و اخبارهای حوادث ناگوار از این قبیل، متاسفانه روز بروز جوانان بیشتری به این راه کشیده شده اند و خبر های تکان دهنده ای گوش می رسد که انسان را شوکه می کند.

بانی و مسبب همه این وضعیت و فجایع جز رژیم آدمکش اسلامی کس دیگری نیست برای من قابل درک است که اندک انسانهایی مشکلات اقتصادی ندارند ولی به این راه کشیده می شوند و خصوصا نوجوانانی که

مردم شهرهای کردستان باید با هوشیاری در مقابل پروژه شوم و البته رسوا شده نیروهای مزدور محلی بایستند. نگذارند جوانان به صفوف این مزدوران بپیوندند. آمادگی مردم و جامعه در مقابل اقدامات پلیسی و امنیتی کردن

فقر، بیکاری و گرانی... از صفحه ۱

خیلی راحت و ساده به این بلای اعتیاد به مواد مخدر دچار می شوند، اما کیست که بانی این وضعیت را نشناسد و انگشت اتهام را به سوی آن دراز نکند؟ جز حکومت آیت الله های دزد و میلیاردر اسلامی کسان دیگری را می توان سراغ داشت؟

وقتی که در جامعه ایران و زیر حاکمیت ننگین رژیم اسلامی نفس کشیدن هم ممنوع هست، فقر، بیکاری، گرانی، زندان و شکنجه و اعدام انسانها برای اوباشان اسلامی و خامنه ای مثل آب خوردن شده است و در یک کلام سلاخی کردن مردم به اوج خودش رسیده. مگر می توان به همه این آدمها گفت مقصر اصلی خودتان هستید؟ می توان گفت که خیلی بی اراده شده اید و می توانستید مقاومت کنید؟ می توانستید از مواد مخدر فاصله بگیرید؟ واضح و روشن است که نتیجه همه این بلاها و از هم پاشیده شدن شیرازه خانواده ها از کجا ناشی می شود، از آنجا که اقلیتی مفت خور رژیم اسلامی با زور اسلحه و گردنه بگیري تمام هست و نیست این جامعه را به غارت برده اند، تمام ثروت و رفاه را برای خود قبضه کرده اند و زندگی یک جامعه هفتاد میلیونی را به تباهی کشانیده اند و جوانی که همه امید و آرزوهایش را از دست بدهد، قطعا در دامی که توسط باندهای حکومت برای جوانان گسترانیده اند گرفتار می شود. معتادین به مواد مخدر قربانیان این نظام ضد انسانی هستند.

وقتی از شهر های ایران و کردستان هر روز خبر مرگ و یا فاجعه ای از این قبیل را می شنویم، قلب هر انسان شرافتمندی برد می آید. اخیرا شنیدیم که در جایی مثل شهر سردشت جوانانی که همیشه پر از امید و انرژی بوده

شهرهای کردستان فاکتور اصلی در ناکام گذاشتن احیا سپاه مزدوران محلی "رزم" میباشد.

اخبار کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، جانباختن "گاوه

و همیشه در صف اول اعتراضات بر علیه جمهوری اسلامی حضور داشته اند اکنون برخی از آنها به اعتیاد کشیده شده در گوشه ای افتاده و شانس زنده ماندنشان بسیار پایین است و یا اینکه خبر همسایه و هم کلاسی سابقم که قبلا همراه با پدرش دکه میوه فروشی داشته و با هزار زحمت در تلاش برای تامین گزران زندگی بوده و با هیولای اعتیاد بیگانه، اما بوسيله اعتبار جان خود را از دست داده برابم خیلی تکان دهنده است. بسیاری از این جوانان از قبل هیچ رابطه ای با اعتیاد به مواد مخدر نداشته اند، کسانی نبوده اند که

چنین روزی در انتظارشان باشد. وقتی سرنوشت چنین کسانی به اینجا کشیده می شود باید کاری کرد و در مقابل با این هیولای خانمان برانداز ایستادگی کرد. اعتراض و مبارزه علیه شرایط و موقعیتی که برای جوانان بوجود آمده است و دیگر راهکارها و ابتکاراتی که بتواند مانع از تباهی بیشتر جوانان شود وظیفه هر انسان شرافتمندی است. دولت و مقامات آن از بانین پخش مواد مخدر هستند، می خواهند با این کارها عزم و اراده مردم را در هم بشکنند که بلکه چند صباح به عمر ننگین خودشان ادامه دهند.

شکی در این نیست که با سرنوشتی جمهوری اسلامی بسیاری از فاکتورها از جمله، مسائل اقتصادی، شادی، رفاه و کلا زندگی مردم به حالت عادی باز خواهد گشت و شرایطی مهیا خواهد شد که انسانها به همه آرزو و آزادی هایشان برسند و کاملا در رفاه زندگی کنند و در آن جامعه سالم انسانها مجبور نخواهند بود که به این دام بیفتند. ***

خدادادی" فعال کارگری و عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و یکی از فعالین کارگری در کردستان، را صمیمانه به همسر، فرزند و وابستگان او تسلیت میگوید.

نگاه هفته

مرگ یک فعال کارگری بر اثر تصادف

به گزارش ۲۳ تیرموکریان بیکی از اعضای جوان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری اهل بوکان بر اثر سانحه تصادف جان خود را از دست داد. بنابه همین گزارش، "گناه خدادادی" ظهر روز شنبه ۲۲ تیرماه ۹۲ در مسیر عجب شیر - بناب دچار سانحه تصادف خودرو می شود و بر اثر شدت ضربات وارده جان خود را در همان لحظه از دست می دهد. خدادادی که خود راننده خودروی پراید بوده به اتفاق پدرنش "ابوبکر کریم زاده" در مسیر برگشت از تبریز به بوکان در محدوده عجبشیر - بناب در اثر خستگی دچار سانحه می شود و خودروی او پس از انحراف از جاده چپ کرده و جانش را از دست می دهد. "ابوبکر کریم زاده" دیگر سرنشین خودرو در پی جراحات ناشی از تصادف به بیمارستان تبریز اعزام و هم اکنون آنجا بستری می باشد. شب گذشته پیکر این فعال کارگری بر روی دستان جمع کثیری از شهروندان بوکانی و اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" که از شهرهای مختلف کردستان آمده بودند تشییع و به خاک سپرده شد. گفتنی است؛ "گناه خدادادی"، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و یکی از فعالین کارگری در کردستان، متاهل و دارای یک فرزند بوده و در شهر بوکان سکونت داشته است.

به گزارش "اتحادیه آزاد کارگران ایران" دهه تن از کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن کردستان در مقابل دفتر خامنه ای در تهران تجمع اعتراضی برپا کردند. برپایه این گزارش، ۲۵۰ کارگر ذوب آهن کردستان که از کارشان اخراج شده اند در ادامه تجمعات اعتراضی خود، از ساعات اولیه صبح روز دوشنبه با عزیمت به تهران در مقابل دفتر خامنه ای در خیابان "پاستور" دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان بازگشت بکار و دریافت

مطالبات معوقه خود شدند. کارگران معترض ذوب آهن کردستان قصد دارند در صورتی که جواب درستی به آنان داده نشود همچنان در تهران باقی بمانند و طی روزهای آینده در مقابل مجلس رژیم و دیگر نهادهای مسئول دست به تجمع اعتراضی بزنند.

جمعی از معلمان بازنشسته اداره آموزش و پرورش سنندج، احکام صادره علیه فعالان کارگری سنندج را محکوم کردند. این بازنشستگان احکام صادره علیه فعالین کارگری وفا قادری، خالد حسینی را ضدانسانی دانسته و خواهان لغو احکام صادره شده اند و این شیوه غیر عادلانه را محکوم کرده و تصریح کرده اند در شرایطی که حداقل دستمزدهای کارگران حدود ۴۸۰ هزار تومان میباشد و به گفته خود دست اندرکاران رژیم چند بار زیر خط فقر میباشد، آیا چنین فعالینی نباید از حقوق خود و دیگر کارگران دفاع کنند؟ آنان مبارزه بر علیه سرمایه داری را حق طبیعی فعالین کارگری دانسته و بر حمایت خود از کمیته هماهنگی تاکید کرده اند.

تجمع کارگران ذوب آهن زاگرس در مقابل استانداری شهر سنندج

۲۰ تیر: ۲۰۰ نفر از کارگران ذوب آهن زاگرس کردستان در ساعات ۱۰ صبح در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج دست به تجمع زدند. ذوب آهن زاگرس که در منطقه قروه دهگلان قرار دارد دارای تعداد سیصد کارگر می باشد که در روز ۹۲/۴/۱۹ تعداد ۲۵۰ نفر از آنها اخراج شدند. این کارگران چهار ماه حقوق نگرفتند و هر یک دارای ۱۲ تا ۱۵ سال سابقه کار می باشند و کار آنها از نوع سخت و زیان آور است اما از طرف مدیریت کارخانه بیمه سخت و زیان آور برای آنها منظور نشده است. کارگران در ساعات اولیه صبح با پلاکاردی بزرگ که روی آن نوشته شده بود ما خواهان بازگشت به کار و حقوق معوقه خود هستیم در مقابل استانداری سنندج تجمع نمودند و در همان ساعات اولیه حدود ۴۰ نفر از کارگران به همراه

نمایندگان خود جهت پیگیری خواستههای خود به داخل استانداری رفتند. آنها بعد از ساعات ها بدون هیچ نتیجه ای از استانداری بیرون آمدند و همراه کارگران به طرف دفتر شهرداری دست به راهپیمایی زدند. لازم به ذکر است که در همان ساعات اولیه و قبل از رسیدن کارگران ده ها ماشین از نیروهای امنیتی و لباس شخصی در خیابان استانداری مستقر شدند و سراسر منطقه را زیر نظر گرفتند و این تجمع تا ساعات ۱ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، تجمع کارگران اخراجی فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی

۲۰ تیر: ۲۳۵ نفر از کارگران قراردادی شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس برای دومین روز متوالی، در اعتراض به اخراج و عدم دریافت مطالبات مالی خود در مقابل استانداری کردستان واقع در شهر سنندج تجمع کردند. نماینده کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که در این تجمع حضور داشت، گفت: امروز دومین روز تجمع کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس برای احقاق حقوق معوقه و اعتراض به اخراج ۲۳۵ کارگر است، که متأسفانه تا این ساعت از تجمع باز هم جواب قانع کننده ای از سوی مسئولان استانداری دریافت نکرده ایم. او گفت: این کارگران که دارای سوابق کاری بین ۱۰ تا ۲۳ سال هستند، در این شرایط سنی و مخصوصاً در جوانان بیکارند، امکان یافتن شغل دیگری را ندارند. از سال ۸۶ با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل، مشکلات کارگران افزایش یافت. بعد از سپری شدن همه مشکلاتی که به واسطه تاخیر در پرداخت حقوق، تعدیل و اخراج کارگران به دلیل وجود این شرکت متحمل شده بودیم، و اواخر سال گذشته کارگران تصور کردند مدیر عامل جدید با حذف پیمانکار، امنیت شغلی را به آنان باز گردانده است، غافل از آنکه مدیر عامل سعی دارد در مرحله نخست با حذف پیمانکار و سپس کارگران، کارخانه را به بهانه تعمیرات تعطیل کند.

تجمع کارگران اخراجی فولاد

زاگرس مقابل اداره کار قروه ۱۹ تیر: ۲۳۵ کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس در اعتراض به اخراجشان در مقابل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه تجمع کردند. از مجموع ۲۸۵ کارگر این کارخانه ۲۳۵ کارگر با سوابق ۱۰ تا ۲۳ سال کار به دلیل آنچه «افزایش مشکلات مالی کارخانه» عنوان می شود، اخراج شده اند. مسئولان کارخانه در پاسخ به اعتراضات کارگران گفته اند با توجه به اینکه تعدادی از کوره های این کارخانه نیاز به تعمیرات اساسی دارد، روند تولید به صرفه نیست و با این وضعیت امکان پرداخت حقوق کارگران وجود ندارد. کارگران از ابتدای سال جاری (چهار ماه) حقوق نگرفتند، مبالغ ۸۰۰ هزار تومان به عنوان مانده تسویه حساب سال ۹۱ به همراه سنوات آن سال نیز باید به کارگران پرداخت شود. با توجه به اینکه بسیاری از کارگران این کارخانه مشمول بازنشستگی پیش از موعد، تحت قانون مشاغل سخت و زیان آورند اما کارفرما با کوتاهی در پرداخت سهم ۴ درصدی اش به سازمان تامین اجتماعی، مانع بازنشستگی کارگران شده است.

مرکز آمار ایران نرخ بیکاری زمستان ۱۳۹۱ را اعلام کرد

مرکز آمار ایران ۲۲ تیر نرخ بیکاری فصل زمستان سال گذشته را اعلام کرد. بنا به همین گزارش، نرخ بیکاری کل کشور: ۱۲/۴ درصد (۱/۱ درصد افزایش نسبت به فصل پائین)

زنان: ۱۹/۶ و مردان: ۸/۱ درصد

د نرخ بیکاری در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله: ۲۸/۳ درصد زنان ۴۸/۴ و مردان ۲۳/۸ درصد نرخ بیکاری در نقاط شهری و روستایی برترتیب: ۱۳/۹ و ۸/۴ درصد استان های لرستان و خراسان جنوبی با ۲۰/۴ و ۷/۷ درصد بالاترین و پایین ترین نرخ بیکاری را دارند.

اطلاعیه شماره ۷ هفت کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

بازگشت دوباره بهنام ابراهیم زاده بهنام ابراهیم زاده و بلاگ نویس و فعال کارگری و کودک به مرخصی چهار روزه آمد. بهنام ابراهیم زاده از زندانیان سیاسی و فعال کارگری و کودک و از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری

و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان امروز چهارشنبه نوزدهم تیرماه از زندان اوین به مدت چهار روزه مرخصی آمد بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و کودک چندی پیش نیز که به مرخصی چهار روزه آمده بود در روز یازدهم تیرماه که برای تمدید مرخصی به دادستانی تهران رفته بود در پی تمدید نشدن مرخصی همراه با برخورد های تند و توهین آمیز به زندان اوین برگردانده شد مرخصی و برگشتن بهنام ابراهیم زاده به خانواده و همسر و فرزند و دوستان و رفقا و فعالین کارگری تبریک می گویم. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن تبریک برگشتن بهنام به آغوش خانواده خواهان آزادی تمامی فعالین کارگری در بند خصوصاً رضا شهابی و شاهرخ زمانی و محمد جراحی و پدرام نصرالهی و تمامی زندانیان در بند می باشد. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

احضار حامد محمودی نژاد فعال کارگری به دادگاه

سنندج: به گزارش رسیده روز دوشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۲، حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری طی دو احضاریه ی جداگانه به تاریخ های ۹۲/۴/۲۲ و ۹۲/۵/۲۰ برای حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج دریافت نمود. حامد محمودی نژاد در تاریخ ۱۷ اسفند سال ۱۳۹۱ در منزل بازداشت و بعد از گذراندن ۳۲ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد که بعد از گذشت حدود ۲۰ روز از آزادی، مجدداً در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۲ در یکی از خیابان های شهر سنندج دستگیر و بعد از ۱۶ روز بازداشت و با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد گردید. لازم به ذکر است که اتهام وارد شده به این فعال کارگری، اقدام علیه امنیت ملی اعلام شده. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار مجدد حامد محمودی نژاد، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران و فعالین کارگری در بند می باشد. کمیته هماهنگی

نگاه هفته

از صفحه 5

برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری -

کارگران بافنده فرش روزی ۱۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند؟

۲۰ تیر دستمزدی که در حال حاضر به بافندگان فرش پرداخت می شود، روزی ۱۰ هزار ریال است. برپایه این گزارش، طی سال های گذشته تعداد بافندگان فرش دستبافت در استان خراسان شمالی ۳۰ هزار نفر بوده است، اما این تعداد در حال حاضر به ۱۲ هزار نفر رسیده است.

دستگیری و حملات پلیس امنیتی

سنندج: ۲۴ تیر: ماموران نیروی انتظامی رژیم به بهانه جمع آوری آنتن های ماهواره ای به یکی از محلات "حسن آباد" سنندج یورش بردند. ماموران نیروی انتظامی رژیم با یورش به منازل یکی از محلات حسن آباد ضمن ایجاد فضای رعب و وحشت آنتن های ماهواره ای را جمع آوری و با خود بردند. گفتنی است این حرکت رژیم باعث خشم و انزجار مردم آن محله گردید.

مهپاد: به گزارش هرنانا، "خسرو و مسعود کردپور" کماکان در حالت بلاتکلیفی در زندان مرکزی مهپاد به سر می برند. قاضی پرونده در ۲۳ تیرماه سال ۹۲ اعلام کرده که قرار وثیقه برای آنان صادر نخواهد شد و موعد دادگاه آنان را ۱۲ مرداد اعلام کرده است. این در حالی است که بازجویی آنان پایان یافته باید با قرار وثیقه تا زمان دادگاه آزاد شوند.

مسعود کردپور و خسرو کردپور دو فعال حقوق بشر و از مدیران "آژانس خبری موکریان" هستند که پس از حدود ۴ ماه بازداشت در اداره اطلاعات مهپاد و ارومیه روز چهارشنبه ۵ تیر ماه به زندان مرکزی مهپاد منتقل شدند.

فشار نهادهای امنیتی علیه خانواده ی زندانیان و فعالان سیاسی در کردستان

اخیرا از شهرهای مختلف کردستان خبر می رسد که بار دیگر فشار بر خانواده های زندانیان

سیاسی و فعالان سیاسی خارج از کشور از طرف وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی افزایش یافته است. وزارت اطلاعات در کردستان، به عناوین مختلف خانواده فعالان سیاسی خارج از کشور را مورد تهدید قرار می دهد، کسانی را که هم اکنون فرزندانشان عضو احزاب کرد و یا اینکه به اتهام سیاسی - امنیتی در زندان بسر میبرند، به بهانه های واهی به اطلاعات فرا

میخوانندو آنها تحت فشار قرار می دهند که باید با آنها همکاری کنند. در مواردی در کسب شغل آنها مزاحمت ایجاد می کنند و به نوعی غیره رسمی محرومیت اجتماعی برای وابستگان فعالان سیاسی خارج از کشور ایجاد می کنند و حتی از ادامه تحصیل بستگانشان در دانشگاهها ممانعت به عمل می آورند. اخیرا در مواردی به هنگام فروش اموال و املاک خانواده های کسانی فرزندانشان یا در زندان و یا اینکه خارج از کشور به سر میبرند، ارگانهای قضایی دخالت نموده و خواستار می شوند تا سهم فرزند و بستگان آنها که فعال سیاسی هستند در اختیار رژیم قرار گیرد. در مواردی هم به خانواده ی فعالان سیاسی و یا اعضای احزاب سیاسی کردستان مراجعه نموده و سهم و بستگانشان را از آنها طلب نموده اند. در این مورد اخیرا در شهرهای مریوان و سنندج چند مورد احضار و مصادره اموال و تهدید خانواده های فعالان سیاسی و یا زندانیان سیاسی از طرف اداره های اطلاعات صورت گرفته است.

خانواده کردپورها خواستار پیگیری جدی پرونده خسرو و مسعود توسط نمایندگان مجلس شدند

خبرگزاری دیده بان حقوق بشر کردستان: یکی از اعضای خانواده کردپور اعلام کرد از زمانی که برادران ما بازداشت شده اند از جانب نمایندگان کرد هیچ اقدامی جدی برای آزاد کردن و یا پیگیری پرونده آنها انجام نگرفته است. این عضو خانواده کردپور گفت نمایندگان کرد برادران ما را میشناسند و به فعالیتهای آنها آگاهی کامل دارند

و میدانند که آنها بیگناه در زندان هستند و تنها فعالیت آنها خدمت به کشور و شهروندان و بخصوص کسانی که بازداشت میشدند، و هیچگونه پشتوانه و پناهی نداشتند که از خود دفاع کنند، بوده است بطور مثال بیشتر کسانی که از حق داشتن وکیل محروم بودند و یا کسانی که حق مرخصی و دیدار با خانواده هایشان را نداشتند. وی گفت امروز به آنها اتهامات واهی وارد شده و با این اتهامات غیر منطقی زندانی هستند و دادگاهی میشوند.

این عضو خانواده کرد پور گفت اگر نمایندگان کرد تا امروز ساکت بوده اند و چیزی نگفتند از آنها ها درخواست دارم که از آقای مطهری نماینده مردم تهران در مجلس کمک بگیرند تا همچون پیگیری روزنامه نگاران و نویسندگان بازداشت شده قبل از انتخابات ریاست جمهوری در شهر تهران که همگی بعد از چند روز آزاد شدند، برای آزادی مسعود و خسرو هم تلاش کند. در پایان وی گفت باشد که مسعود که یک معلم دلسوز است و بیشتر از ۲۰ سال برای نوجوانان و جوانان کردستان در مدرسه ها فعالیت کرده است به کلاس درس برگردد و خسرو هم از طریق روزنامه نگاری در خدمت هموطنانش باشد گفته می شود؛ یکی از اتهامات مطرح شده برای

این دو روزنامه نگار کرد، تبلیغ علیه نظام از طریق اطلاع رسانی درباره زندانیان سیاسی و فعالان مدنی است.

مربوان: ابراهیم نیک پی فعال مدنی که مدتی پیش توسط نیروهای امنیتی شهر مریوان بازداشت و مدت یک هفته را در بازداشت به سر برد، برای او در روز شنبه آینده تاریخ برگزاری دادگاه تعیین وقت شده است و باید در این روز در دادگاه انقلاب شهر مریوان حاضر شود. گفتنی است که روز یکشنبه ۰۹ تیر ۱۳۹۲، ابراهیم نیک که یکی از فعالان شهر مریوان است بعد از یک هفته در بازداشت اداره اطلاعات با قرار گذاشتن وثیقه به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شده بود.

دیواندره: نیروهای اطلاعات حکومت اسلامی ایران خانواده ی فعالان سیاسی کرد در دیواندره را تهدید و تحت فشار قرار داده اند. به گزارش آژانس خبرسانی کردپا و به نقل از یک منبع مطلع، طی چند هفته گذشته خانواده فعالان سیاسی کرد ساکن روستاهای "بست"، "دره وزان" و "دره گاوآن" از تسابح شهرستان دیواندره که فرزندانشان از اعضای احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران هستند، توسط نیروهای اداره اطلاعات این

شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. نیروهای اداره اطلاعات شهرستان دیواندره در هفته دو روز خانواده این فعالان سیاسی را احضار کرده به طوری که این اقدام سبب نگرانی و ناراحتی این شهروندان شده است. رفتار نیروهای اطلاعات حکومت اسلامی ایران با این خانواده ها در حالی است که روستاهای اطراف "چل چه مه" بیش از ۹۰ کیلومتر با شهر دیواندره فاصله دارد و این اقدامات تنها با هدف اذیت و آزار این خانواده ها صورت می گیرد.

سردشت، ۲۳ تیر: نیروهای انتظامی به سوی تعدادی از شهروندان مرزنشین تیراندازی می کنند که بر اثر اصابت گلوله دو شهروند که هویت یکی از آنها قربان شیخی ۲۸ ساله اعلام شده است جان خود را از دست می دهد و برادر او بنام شورش شیخی ۳۲ ساله به شدت زخمی میشود. سالانه دهها شهروند مرزنشین که به دلیل فقر و بیکاری در مناطق صفر مرزی غرب کشور مجبورند جهت امرار معاش خویش کالاهای خارجی از جمله پارچه، چای، لوازم آرایش و صوت و تصویری را با کول خود حمل کرده و در میان مین های به جای مانده از جنگ هشت ساله به داخل شهرهای مرزی منتقل کنند.*

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامين و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادر هایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

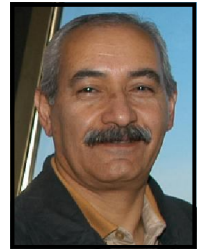
همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. شستشوی مغزی است.

با خواسته های:

- تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر
- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان
- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند
- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس
- از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش هجدهم



عبدل کلپریان

با آن همه برفی که باریده بود خروج از روستا عملاً غیر ممکن شده بود. تصمیم گرفتم بمانیم و دیگر نیازی به مخفی شدن هم نبود چون بعد از ماجرای درآوردن کندم از گوش بچه، همه مردم روستا از حضور ما مطلع بودند. در دو واحد سه نفره برای استراحت در دو منزل مستقر شدیم. شب تا صبح بارش برف همچنان ادامه داشت. صبح که از خواب بیدار شدیم بارش برف قطع شده بود و در آسمان حتی یک لکه ابر هم دیده نمیشد. تاییدن خورشید بر روی برفی که همه جا را سفید کرده بود منظره بسیار زیبایی را خلق کرده بود. مردم روستا نیز مشغول برف رویی پشت باهمایشان بودند. ما هم بعد از خوردن صبحانه برای لذت بردن از این هوای صاف و آفتابی روی پشت بام رفته و با مردم به گفتگو پرداختیم.

این منظره زیبا و صحبت با مردم در آن هوای آفتابی مملو از برف یک ساعت طول نکشید که متوجه نفراتی در پانصد متری میان آن برف سنگین که تقریباً تا کمر ارتفاع داشت شدیم. دیگر شکی نداشتیم که این گروه ضربت رژیم است که دارد بطرف روستا می آید. تعداد آنها حدوداً ۳۰ نفر بودند و ما ۶ نفر بودیم. دوراه در پیش داشتیم. یکی اینکه اگر با آنها درگیر میشدیم موفقیت با ما بود چرا که داخل روستا برای ما سنگر محسوب می شد و به همه چیز دسترسی داشتیم اما آنها در پانصد متری بجز برف زیاد و سرما به چیزی متکی نبودند و ناچاراً با دادن تلافات سنگین نهایتاً عقب نشینی می کردند. برف زیاد جاده منتهی به روستا را هم مسدود کرده بود و امکان آمدن نیروی کمکی هم برایشان غیر ممکن بود. راه دیگر این بود که برای جلوگیری از وارد شدن صدمه به مردم روستا بلافاصله خود را مخفی میکردیم تا آنها وارد

روستا شوند. این را می دانستیم که ابتدا نیروهای رژیم شب را در آن موقعیت در روستا نخواهند ماند و بعد از ساعاتی از آنجا خواهند رفت. با در نظر گرفتن تمام حالات ممکن سریعاً تصمیم گرفتیم که راه دوم یعنی مخفی شدن را انتخاب کنیم. اهالی روستا هم همگی یکدست و با روحیه ای بالا این آمادگی را از خود نشان دادند و آنها هم از تصمیم ما مبنی بر مخفی شدن استقبال کردند. هنوز بریامان روشن نبود که آیا آنها از حضور ما در روستا مطلع بوده اند یا بطور اتفاقی بسوی روستا آمده اند. هنوز دوستان سبب متری با روستا فاصله داشتند که سرعت آسمان صاف چند لحظه قبل ابری شد. در این اثنا ما هم در دو گروه سه نفره در دو منزل مخفی شدیم. در چنین مواقع حساسی بهترین مکان برای مخفی شدن در طویله بود. آن روز هم بعلت برف زیاد گاو و گوسفندان در طویله مانده بودند و مزیتی برای ما بحساب می آمد.

بلاخره گروه ضربت وارد روستا شد و قبل از هر چیز اقدام به خانه گردی یا بقول خودشان شروع به پاکسازی کردند. هر گونه خبر و فعل و انفعالات بیرون و اینکه چه می گذرد را صاحب خانه یا عناصر فعال و جوانان روستا به اطلاع ما می رساندند. در بیشتر منازل روستایی مابین طویله هر خانه ای تنها یک دیوار نازک وجود دارد. همسایه ها شروع به کندن دیوار که یک نفر بتواند از آن براحتهی وارد طویله همسایه شود کردند. جالب توجه این بود که این کار را زنان روستا انجام می دادند. جایی که ما در آن قرار داشتیم توسط دو زن از اهالی روستا یکی آنطرف دیوار و دیگری در سوی دیگر با بیل و کلنگ دیوار را سوراخ میکردند. این کار به راحتی هم انجام می گرفت و خود ما هم به آنها کمک میکردیم. چیزی که بسیار برجسته و قابل گفتن است این بود که مردم روحیه بسیار بالایی داشتند. حتی موقع کندن دیوار با همدیگر شوخی میکردند و گروه ضربت را مورد تمسخر قرار می دادند. یکی از زنها که مشغول کندن دیوار بود رو کرد به ما و گفت نگران نباشید نخواهیم گذاشت دستشان به شما برسد دست به سرشان می کنیم.

بعد گفت: همان موقع که هنوز بیرون از روستا بودند شما می توانستید کار همه شان را یکسره کنید اما بخاطر اینکه صدمه ای به ما نرسد این کار را نکردید و ما هم نخواهیم گذاشت کوچکترین مشکلی برای شما پیش بیاید. گروه ضربت در دسته های ۵ یا ۶ نفره وارد خانه ها و بویژه طویله ها می شدند و بعد از دید زدن با ترس و وحشت سریعاً بر می گشتند و به فرمانده خود اطلاع می دادند که مسیر را پاکسازی کرده اند. وقتیکه کندن دیوارها تمام شد چند نفر وارد طویله ای شدند که ما در آن مخفی بودیم. معمولاً از صاحب خانه می خواستند که او جلوتر وارد منزل یا طویله شود تا نقش یک سپر را برایشان داشته باشد. صاحب خانه سریعاً وارد شد و به ما اشاره کرد که دارند می آیند. ما هم از سوراخی که کنده شده بود به طویله همسایه وارد شدیم. عکس این حرکت هم صادق بود. خلاصه با گشت زدن آنها در هر طویله ای ما براحتهی می توانستیم به طویله ای که قبلاً پاکسازی شده بود وارد شویم و هر دو گروه ما با همین ماجرا روبرو بود. یادم هست فقط از سوراخی که کنده شده بود برای رفتن به سوی دیگر تنها یکبار استفاده کردیم و نیاز به ادامه آن نبود. خلاصه این ماجرا تا پاکسازی تمام طویله ها همچنان ادامه داشت.

بمدت دو سه ساعت ما در همین موقعیت قرار داشتیم. اگر بر حسب اتفاق حتی واحدی از گروه ضربت متوجه حضور ما می شد احتمال اینکه بروی ما تیراندازی کنند خیلی کم بود. علت این امر این بود که در چنین حالتی باز این ما بودیم که از موقعیت برتری برخوردار بودیم. چون ما از حضور آنها اطلاع داشتیم اما آنها اطلاع نداشتند. اگر هم ضمنی متوجه می شدند برای حفاظت از خودشان هم بود ممکن بود خود را به کوچه علی چپ بزنند و می دانستند که در آن شرایط از نیروی کمکی هم خبری نیست. دوم اینکه ما و مردمی که به ما کمک میکردند از روحیه بسیار بالایی برخوردار بودیم اما آنها سراپای وجودشان ترس بود که بلکه به هر نحوی شده گشت زنی منازل را



تمام کنند و زود از روستا خارج شوند. منهای فرمانده که خود او ابتدا وارد منازل یا طویله ها نمی شد و فقط دستور می داد. افراد رده پایین یا سرباز بودند یا از مزدوران محلی که فقط برای پول وارد این گروهها شده بودند.

تمام کنند و زود از روستا خارج شوند. منهای فرمانده که خود او ابتدا وارد منازل یا طویله ها نمی شد و فقط دستور می داد. افراد رده پایین یا سرباز بودند یا از مزدوران محلی که فقط برای پول وارد این گروهها شده بودند.

بلاخره پاکسازی تمام شد و به ما خبر دادند که دارند از روستا خارج می شوند. بعد از خروج آنها از روستا ما از مخفی گاه بیرون آمده و همراه با همه اهالی روستا در محوطه آبادی در یک فضای شاد و صمیمانه با شادی و خنده و اینکه هر یک داستانی از سربسر گذاشتن

ادامه ما موریتمان ترك کردیم.

ادامه دارد



شبکه تلویزیون نگاه شما

ساعاتی از برنامه خود را به فروش میرساند

علاقه مندان میتوانند با ایمیل و شماره تلفن زیر تماس بگیرند:

ایمیل: negah.shoma@gmail.com

تلفن: ۰۰۵۰۵۲۰۶۵۰۰۱

مشخصات نگاه شما به این شرح است:

هاتبرد

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

نگاه شما در GLViZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.glwiz.com/>

Negah E Shoma

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون ساعته کانال جدید از شبکه نگاه شما در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات نگاه شما به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLViZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.glwiz.com/>

Negah E Shoma

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۲۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : B0FAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:
شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

کارگران فولاد زاگرس در دومین روز حضورشان در تهران دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند



نکرده اند و از ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند این کارگران اعلام کرده اند تا کسب نتیجه از اعتراض خود همچنان در تهران باقی خواهند ماند و چنانچه به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود به تجمعات خود در مقابل نهادهای مسئول دولتی در تهران ادامه خواهند داد. کارگران اخراجی فولاد زاگرس خواهان بازگشت بکار و دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
تیر ماه ۱۳۹۲

تجمع دیروز خود در مقابل دفتر بیت رهبری از آنجا که رسیدگی عملی به خواست‌هایشان صورت نگرفته بود شب را در تهران سپری کردند و از ساعات اولیه صبح امروز دست به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند.

بنا بر این گزارش تا لحظه تنظیم این خبر (ساعت ۳۰/۱۲ ظهر) این کارگران همچنان در مقابل مجلس شورای اسلامی حضور دارند و نماینده‌های آنان در حال مذاکره با مسئولین مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدهای خود را دریافت

بندبنا تجمع دیروز کارگران ذوب آهن کردستان (فولاد زاگرس) در مقابل دفتر بیت رهبری در خیابان پاستور و بی توجهی مسئولین این دفتر به خواسته‌های کارگران، آنان تا بعد از ظهر دیروز در مقابل این دفتر به تجمع خود ادامه دادند تا اینکه مسئولین دفتر مذکور بناچار با تنظیم نامه ای خطاب به جلالی نظری از مسئولین وزارت کار رسیدگی ویژه و فوری به خواسته‌های کارگران فولاد زاگرس را به وزارت کار تاکید نمودند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدم‌کردن پارانها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مجال شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برخوردارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروت‌هایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدوران‌شان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه‌ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!